



یاوه خلیق! مستید و منگ؟ یا به تظاهر تزویر می کنید

قبل از شروع شاید لازم باشد خودم را معرفی کنم. من رویا غیائی یکی از شاهدان دادگاه ایران تریبونال هستم. خواهر جانباخته‌ام کبری غیائی، با مینو همیلی همبند بوده است.

درنامه "نگهبان زندان سنندج به پرونده پناهندگان سیاسی در اداره مهاجرت کانادا دسترسی دارد" و واکنش‌های مربوط به آن را در سایت ایران گلوبال خواندم. اولین جمله‌ای که به ذهنم آمد این بود: یاوه، یاوه، خلیق مستید و منگ؟ یا به تظاهر تزویر میکنید. علت این برخوردها چیست؟ چرا توهین، چرا افترا، و هزاران چرای دیگری که درحین خواندن مطالب مخالفان از مغزم گذشته بود، شعرشاملو و فریاد

«یاوه، یاوه، خلیق مستید و منگ، یا به تظاهر تزویر میکنید» را در مغزم پژواک داد و مرا برآن داشت که دست به قلم برده و بنویسم. این مطلب را خطاب به تمامی انسانهای آزاده و در جواب آنانی که چشم برواقعیت‌ها، گوش برصدای دادخواهان بسته و به ناروا قلم می‌زنند، می‌نویسم.

یاوه خلیق! مستید و منگ؟ یا به تظاهر تزویر می کنید

خانم همیلی و تعدادی از زندانیان سیاسی بخشی از خاطرات خود، آنچه که در زندان بر آنان رفته را با جامعه به اشتراک گذاشته اند. چیزی از آن نگذاشت که مدافعان خانم گیتی شیرزاد فریاد خشمشان بلند شد. در این راستا چه‌ها که نوشتند، زمین و زمان را به هم دوختند تا به هر نحوی که شده از خانم گیتی شیرزاد دفاع کنند. مگر مینو همیلی و دیگر دوستانش جز در مورد آنچه که خود دیده بودند، چه نوشتند که این چنین خشم آنان را برانگیخت؟ آیا این یک اعلام جرم نبود؟ آیا اینان آن شهادتی نیستند که باید شهادت دهند و برای روشن شدن ابهامات و ثبت در تاریخ بگویند و بنویسند تا دیگر این جنایت‌ها تکرار نشود؟ ای کاش شاهدان دهه ۶۰ همه لب به سخن می‌گشودند و حقایق را بازگو می‌کردند. چرا نباید طاقت شنیدن درد دل‌هایشان را داشت که زوایای تاریک جنایت دهه ۶۰ بر همگان روشن گردد؟ عده‌ای کار را تا به آنجا پیش بردند که زندانیان سیاسی که شهادت داده‌اند را مورد بی‌حرمتی قرار داده و سایت ایران گلوبال را هم تحت فشار گذاشتند تا موجب حذف افشاکاری خانم مینو همیلی از صفحه ایران گلوبال شوند. دیگر اینکه چگونه است که شهادت یک زندانی سیاسی رنج دیده هتاک می‌شود؟ خوب شما بفرمایید این اعمال توابین نامش چیست؟ چه نامی بر اعدام زندانیان سیاسی بعد از لو رفتن توسط توابینی که لو دادند می‌گذارید؟ واکنش شما نسبت به این اعمال غیر انسانی و ضد عاطفی چیست؟ نکته دیگر از کجا عدم صحت شهادت این زندانیان سیاسی برای شما روشن شده که این چنین به تب و تاب افتاده‌اید و شهادت این زندانیان را هتاک می‌نامید؟ مطمئناً برخورد شما با این زندانیان محترمانه، پسندیده و معقول نیست. جهت تخطئه واقعیات ملموس، معلم اصول جرایم، وکیل و قاضی شدید و اصل برائت را برای خانم همیلی و دیگر زندانیان سیاسی توضیح می‌دهید. فکر می‌کنید خانم همیلی و دیگر دوستان نمی‌دانند که بیان این شهادتها اگر کذب بودن آن روشن شود، چه مشکلات قانونی و حیثیتی را برای آنان در پی خواهد داشت؟ این زندانیان سیاسی نه از سر بیکاری، بی‌خیالی و بی‌اطلاعی، بلکه با احساس مسئولیت و وظیفه درد خویش و همبندانشان را می‌گویند و می‌نویسند ولی شما بجای همدلی و همراهی، می‌خواهید آنان را به سکوت وادارید. آنان را از چه می‌ترسانید؟ یعنی خانم همیلی و دیگر درد کشیدگان با آبروی سیاسی و اجتماعی خود بازی می‌کنند و شهادت کذب می‌دهند و نمی‌دانند وقتی این چنین در مجامع عمومی شهادت به تواب بودن شخصی می‌دهند، اگر کذب باشد، چه عواقبی برای آنها خواهد داشت و حال "عالمان" به میدان آمده‌اند که از حق گیتی شیرزاد دفاع کنند و این زندانیان سیاسی را متوجه عواقب کارشان بنمایند؟ ولی اگر کذب نبود و کاملاً درست بود، چه می‌کنید؟ بعد هم می‌گویید این مسایل مربوط به سی سال پیش است. منظورتان این است که این زندانیان باید فراموش کنند که شکنجه‌گران‌شان چه کسانی بوده اند؟ شما چگونه به این شهادتها رسیدگی کردید و برایتان روشن شد که اتهام است و واقعیت ندارد؟ شما چه تحقیقاتی انجام داده‌اید

که واهی بودن آن برای شما روشن شده است؟ مدارک و تحقیقاتان را ارائه دهید تا ما هم به نتیجه شما برسیم. خانم همیلی از دیده‌ها و تجربه‌های خود سخن می‌گوید و شهادت یک فرد سند است. مگر اینکه با دلیل و سند ثابت کنید که این شهادت‌ها کذاب است. پس سند ارائه دهید و اگر سند ندارید سکوت نموده و منتظر رأی دادگاه باشید. یکی از شما نوشته بود این مطالب خنده‌دار است! این مسائل برای متهم، برای شاهد، برای کسی که شکنجه شده و برای من که خواننده آن هستم گریه آور است.

مدافعان گیتی شیرزاد از آن دسته هستند که برای رئیس مجلس، رئیس جمهور و مقامات بلند پایه سابق رژیم هم، که اکنون در حبس و یا در تبعید به سر می‌برند، سینه چاک می‌دهند. اینکه اینها امروز در زندان رژیم بسر می‌برند، جنایت و خیانت آنها به مردم را در زمان قدرت‌شان پاک نمی‌کند. هنوز این افراد در رابطه با کشتار سیستماتیک و برنامه ریزی شده دهه ۶۰ توسط رژیمی که خود سر دمدار آن بوده‌اند، سکوت کرده‌اند. حال اگر بر سر تقسیم قدرت، پول و ثروت با هم در افتاده‌اند، چه سودی برای مردم رنج کشیده دارد؟ مادران و پدران هنوز به دنبال یافتن گور عزیزان خود و چرائی اعدام و شکنجه عزیزانشان هستند. زنان باردار، نوجوانان زیر ۱۸ سال که به جوخه اعدام فرستاده شده‌اند را چه کسی وکالت می‌کند؟ کدام یک از سران رژیم به جرم خود اعتراف کرده‌اند که شما همه را عفو دسته جمعی می‌دهید و یا پرونده‌شان را شامل گذشت زمان میدانید؟ چرا به همیلی ها اجازه سخن نمی‌دهید؟ دادگاه و مردم باید در درستی یا نادرستی این شهادت‌ها قضاوت کنند. اما این افراد در مقابل افکار عمومی وظیفه دارند که سخن بگویند، شهادت دهند، اسرار را برملا کنند، افشاگری نمایند. به عمق این نوشته دقت کنید "آری کلیه زندانیان سیاسی پس از ۶۰ گروگان داعش شیعه ایران بودند که درست همان بود در همان زمان همگی توبه نامه می نوشتند و از زندان و اعدام رهایی می یافتند باور کنید رژیم زودتر از اینها سرنگون می شد". از این نوشته نتیجه می‌گیریم که اصلا مقصر اصلی زندانیان سیاسی هستند که توبه نامه نوشتند که از زندان و اعدام رهایی یابند و اگر رژیم هنوز بر سر قدرت است، علت اصلی همین زندانیانی هستند که توبه نامه دسته جمعی نوشتند تا رژیم آنان را آزاد کند. مثل یک کارت تیریک تولد که برای دوستی می‌فرستیم و همه زیر آنرا امضا می‌کنیم. خوب یک توبه نامه جمعی می‌نوشتند و آزاد می‌شدند بعد هم رژیم را سرنگون می‌کردند. عجب تحلیلی!

آقای اصغر جیلو هم از جنبه "حقوقی" و هم "اخلاقی" به مطالب می‌پردازد. ولی نمی‌دانم چرا یک طرفه به قاضی می‌رود. از همان ابتدا خانم گیتی شیرزاد قربانی سرکوب نظام می‌شود ولی مینو همیلی همان کسی است که روش جمهوری اسلامی را در مورد قربانیان دیگر پیش می‌گیرد و متهم می‌کند، محکوم می‌کند و حکم صادر می‌نماید. بعد او اضافه می‌کند که چیزی که اینها فعلا کم دارند بازداشتگاه و زندان است. منظورتان چیست آقای جیلو؟ یعنی اگر مینو همیلی زندان داشت، الان اینها را به زندان می‌انداخت؟ آیا این پیشداوری و دادن حکم نیست؟ شما از کجا می‌دانید که مینو همیلی چه می‌کرد؟ چرا تهمت می‌زنید؟ وقتی مینو همیلی می‌نویسد از راه قانونی و حقوقی هم دنبال این جریان است، چرا از طرف شما وی به دادن وعده عقوبت متهم می‌شود؟ آیا مینو همیلی این حق را هم ندارد که از نظر قانونی موضوع را دنبال کند؟ اگر شهادتش و دیده‌هایش را در اختیار افکار عمومی بگذارد که خطاست، به دادگاه رجوع دهد که وعده عقوبت است، پس با درد خویش و همبندانش چه کند؟ چطور است که شما دیکته کنید تا دیگران عمل کنند؟ آن وقت حتما درست خواهد بود. به اعتقاد من این یک وظیفه است. زندانیان دهه ۶۰ و خانواده‌های آنها وظیفه دارند که تمامی زوایای تاریک این قتل عام را افشا کنند، آمرین و عاملین این قتل عام را به افکار عمومی معرفی نمایند و از طریق قانونی پیگیری کنند، برای دادخواهی، برای ثبت در تاریخ و برای جلوگیری از تکرار جنایت بگویند و بنویسند. تمامی کسانی که به شکلی در شکنجه زندانیان دست داشته‌اند باید به افکار عمومی معرفی شده و تحت پیگرد قانونی قرار گیرند. دومین موضوعی که اصغر جیلو به آن می‌پردازد عدم امکان یا عدم تمایل متهم به پاسخگویی به این اتهامات است. از دید من هر عکس العملی که خانم شیرزاد نشان دهد، امری است اختیاری و به خود ایشان مربوط می‌شود. حق قانونی و فردی ایشان است. شاید هم خانم گیتی شیرزاد عکس آن عمل کند، شاید او هم به افکار عمومی رجوع کرده و هم از نظر قانونی موضوع را دنبال نماید. لاقفل شرط بر این است که این را به عهده خانم گیتی شیرزاد بگذارید. چرا شما دایه مهربانتر از مادر شده اید؟ چرا این دایه‌گری شما در مورد خانم همیلی و دیگر زندانیان سیاسی مصداق پیدا نمی‌کند که شهادت از شکنجه‌های خود نه تنها

توسط بازجو، بلکه از توایین می دهند؟ چرا در دفاع از مادرانی دل سوخته‌ای که فرزندانشان بخاطر اینکه از طرف این توابان شناسائی و به جوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند، قلم نمی زنید؟ تصور کنید این مادران به اروپا بیایند و ببینند که کسانی که بچه‌های آنها را لو داده و به جوخه اعدام سپرده‌اند، الآن برای خود زندگی خوبی رقم زده‌اند و به ظاهر مدافع حقوق بشر، پناهندگان و یا در صف مقدم مبارزان سیاسی ایستاده و یا کتاب می نویسند و جایزه می گیرند و با پولش خوش می گذارند. این مادران و پدران چه حالی پیدا می کنند؟ چه کسی از فشار روحی، روانی و شوکی که به این افراد وارد می شود، سخن می گوید؟ حق و حقوق این مادران و آن جانب‌باختگان مدافعانی ندارد؟ !

سومین جنبه‌ای که آقای اضرع‌جیلو بدان می پردازد، نگرانی ایشان است که این مطالب بی سند، خواننده را به سمتی هدایت کند که تصور نماید متهم بیچاره، یک مامور رسمی دستگاه اطلاعاتی یا پاسدار بوده است. یعنی اینکه خواننده‌ها خود هیچ عقل و درایت ندارند و دچار اشتباه می شوند و آقای جیلو که این قدرت و روشن بینی را دارد تلاش می کند که خواننده بیچاره را از این تصورات اشتباه دور نگه دارد؟ آقای جیلو! این تحقیر کردن خواننده و نشان از نگاه عاقل اندر سفيه شما نسبت به خوانندگان است. لطفاً نگران ما خواننده‌ها نباشید. ما هم راه خود را می شناسیم و احتیاج به قیم و فقیه نداریم که ما را از اشتباهات احتمالی بدور نگه دارد. خوب در نهایت هم معلوم شد اگر کسی در خانه باشد حرفهای آقای جیلو را دقیقاً تأیید می کند و اگر نکند، معلوم می شود که اصلاً خانه خالی است.

خانم شکرایی می نویسد: به شهادت جامعه ایرانی مونترال، خانم گیتی شیرزاد بسیار خوشنام است. چگونه است که شهادت جامعه ایرانی برای این دوستان سندیت دارد و در دفاع از خانم شیرزاد از آن به عنوان سند استفاده می کنند ولی شهادت خانم همیلی و دیگر زندانیان سیاسی خوشنام به آنان حقانیت نمیدهد؟

نگران رساندن "آسیب روانی" برگیتی شیرزاد هستید. شما هیچ میدانید که با این واکنشهای هیستریک خود ممکن است چه آسیب های روحی و روانی به زندانیانی وارد کنید که شکنجه‌های قرون وسطائی جمهوری اسلامی را تحمل کردند و حال که نگهبانانی چون گیتی را افشا می کنند، با برخوردهای این چنینی مواجه می شوند؟ شاهد از ظلم و ستمی که به او و خانواده او روا شده می نویسند. شهادت می دهد که به خاطر گزارش گیتی شیرزاد، آنها به خاطر آواز خواندن، او را به انفرادی انداخته‌اند. آزادی‌اش را گیتی شیرزادها به تعویق انداخته‌اند. با نادیده گرفتن این اجحافات که به امثال مینو روا داشته شده است، می خواهید او فراموش کند؟ از کیسه خلیفه می بخشید؟ خانم شکرایی می نویسد: شما که زندانی سیاسی بوده‌اید، حتما میدانید که..... خانم شکرایی! خانم همیلی (البته با اجازه خانم همیلی) نمی دانسته و نمی داند و منتظر نشسته که شمایی که در شرایط او نبوده‌اید بیایید و به او درس بدهید تا هم خانم همیلی بداند و هم ما که خواننده هستیم، توجیه شویم.

در نهایت همگی شما اطمینان داشته باشید خانم همیلی، زندان جمهوری اسلامی را پشت سر گذاشته و سر بلند بیرون آمده است. مطمئن باشید که پای حرف و اعتقادش می ایستد. چرا فکر نمی کنید که مینو همیلی به خاطر دفاع از حرمت انسانی و برقراری عدالت در مقابل مردم شهادت میدهد؟ چرا شهادت او را قبول نمی کنید؟ آیا شماهایی که در مقابل یک همکار سابق رژیم، دم از قوانین می زنید، این اصل را فراموش کرده‌اید که در برابر قانون، شهادت شاهدهی که درکمال سلامت عقل به وقوع جنایتی شهادت میدهد چه معنایی دارد؟

رویا غیائی